

لحظه‌های تاریک تاریخ

راز تولد اسکندر

www.ketab.ir

سید جلال روشن

سرشناسه	: روشن، سیدجلال، ۱۳۳۵-
عنوان و نام پدیدآور	: راز تولد اسکندر/سیدجلال روشن.
مشخصات نشر	: تهران : انتشارات دبیر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۲ص.
فروست	: لحظه‌های تاریک تاریخ.
شابک	: 978-622-7951-11-0؛ دوره 5-16-7951-622-978
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ Persian fiction -- 20th century داستان‌های تاریخی Historical fiction
موضوع	: ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق. م. -- داستان Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B.C. -- Fiction
رده بندی کنگره	: PIR۸۳۴۵
رده بندی دیویی	: ۶۲۸.۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۱۶۵۷۸

دبیر

راز تولد اسکندر

سیدجلال روشن

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰

چاپ: پیام

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۵۱-۱۶-۵

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۷۹۵۱-۱۱-۰

تهران، میدان انقلاب، پاساژ ایران، طبقه سوم، پلاک ۱۰۷

تلفن: ۶۶۴۱۲۷۲۶ - ۶۶۹۰۰۵۲۵

۱۰۰۰۰۰ تومان

مقدمه

اگرچه اسکندر شخصیتی تاریخی است و سال تولد، جلوس و وفاتش به روشنی ضبط شده (تولد: ۳۵۶ ق.م. جلوس ۳۳۶ و وفات ۳۲۳ ق.م.) اما همواره هاله‌ای از ابهام و حتی تقدس پیرامون او را فراگرفته که موجب شده داستان‌های پرشگفتی درباره تولد و زندگی او بر زبان‌ها جاری و سینه به سینه نقل شود و حتی در کتاب‌ها نیز همین روایات پرشگفت ثبت گردیده. همچنین تفاوت دیدگاه‌ها در مورد اسکندر بسیار متنوع است، در حالی که پاره‌ای از نویسندگان او را به مرحله نیمه خدایی رسانده‌اند و او را ملعون و با صفت اسکندر گجستک یا گجسته (واژه متضاد خجسته) خوانده‌اند و برخی نیز او را با صفت کبیر ذکر کرده‌اند، مورخان از جمله پلوتارک اگرچه می‌دانند همه این افسانه‌ها که در پیرامون اسکندر روایت شده فاقد بنیادهای راستینی است، اما از ذکر آن‌ها یحتمل به جهت زیبایی و جذابیت‌شان دریغ نمی‌ورزد. پلوتارک نیای اسکندر را به هرکول پیوند می‌دهد که چهره‌ای نیمه خدایی در اسطوره‌های یونان است و از دیگرسوی می‌نویسد ژوپیتر به صورت ماری در بستر همسر فیلیپ وارد شد و او را باردار گرداند و در نتیجه اسکندر را فرزند ژوپیتر می‌داند.

در روایتی دیگر آمده است که فیلقوس در صحرا با همراهان خود می‌تاخت و زنی را در زیر درختی مرده یافت که نوزاد پسری را به دنیا آورده و نوزاد از شدت گرسنگی می‌گریست و انگشت شست خود را می‌مکید. آشکار شد که زن بعد از زادن کودک مرده است و فیلقوس فرمان داد نوزاد را به دایه سپردند تا او را شیر دهد و سپس همانند فرزند خویش در دربار خود پرورش داد.

شاید زیباترین روایت درباره زاده شدن اسکندر را شاهنامه فردوسی نقل کرده باشد. حکیم توس می‌فرماید: دارا، پور همای در نبردی در عموریه با فیلقوس پادشاه مقدونیه، شکستی سهمناک بر رومیان (یونانیان) وارد آورد و فیلقوس پای پس کشید و سپاه درهم شکسته به عموریه بازگشت. دروازه‌های شهر را بر سپاه دارا بستند و دارا، عموریه را در محاصره گرفت و چون خطر شکست شدن حصار بود و شکست دردمندانه و اسارت زنان رومی را در پی می‌آورد، از سوی فیلقوس، بزرگان شهر با هدایایی گران‌بها به دیدار دارا شتافتند و پوزش خواستند و آشتی با شه‌ریار ایران را آرزو کردند. دارا بزرگان و خردمندان لشکر را فراخواند و آنان این پیشنهاد را گرامی داشته، برای تضمین پیمان صلح، گفتند که دختر او، آناهید را برای همسری از فیلقوس بخواه تا آرامش دایمی برقرار گردد.

یکی دختری دارد این نامدار	به بالای سرو و به رخ چون بهار
بت‌آرای چون او نبیند به چین	میان بتان خود درخشان نگین
فرستاده روم را خواند شاه	بگفت آنچه بشنید از نیکخواه
بدو گفت رو پیش قیصر بگوی	گر جست خواهی همی آبروی
پس پرده تو یکی دخترست	که بر تارک بانوان افسرست